

اصلاح طلبان نیروهایشان را ترور شخصیت نکنند



آفتاب یزد - پریسا هاشمی: ورودش به شورای شهر و زنگ‌های هشدار که لحظه به لحظه در مورد آسیب‌های اجتماعی (به‌ویژه آسیب‌هایی که زنان و کودکان را در چنگال بی‌رحمیش گرفته) بسیاری از مسئولان را به آسیب‌های اجتماعی حساس کرد. آمارهایی که می‌داد، شبگردی‌هایی که در مناطق خطرناک داشت، اصرار و پیگیری که در مورد فروش نوزادان داشت، همه و همه باعث شد که وزارت بهداشت و درمان هم به این مسائل حساس شوند و با دستوری که دکتر هاشمی، وزیر بهداشت داشت، حداقل در بیمارستان‌ها جلو فروش نوزادان گرفته شد. نوزادانی که برای سوءاستفاده و تکدی‌گری از پدران و مادران معتادشان به مبالغی ناچیز (حتی 50 هزار تومان) به فروش می‌رسیدند.

دانشور بی‌حاشیه و آرام، 4 سال روی صندلی سبز نشست، اما برای پیشبرد اهدافش در سامان دادن به آسیب‌های اجتماعی، آرام و قرار نداشت. فعالیتش در حوزه اجتماعی باعث شد که شهرداری هم در بخش اجتماعی فعال‌تر شود. اعتیاد، زنان خیابانی، کودکان کار، فروش نوزادان و... همه و همه آسیب‌هایی هستند که او در نشست‌های خبری، صحن شورای دوره چهارم شهر تهران و مصاحبه‌هایش به تشریح آنها پرداخته است. به جرات می‌توان گفت بعد از حضور دانشور، کمیته اجتماعی شورای شهر قوت گرفت و حالا منتخبان دوره پنجم سعی می‌کنند برای ورود به این کمیته از هم پیشی بگیرند.

نباید از یاد ببریم که دانشور قبل از ورود به شورای شهر و در طول 4 سال خدمتش در شورای شهر تهران، از فعالیت اقتصادی خود غافل نماند، فعالیت اقتصادی که باعث شد، بارها و بارها به عنوان یک کارآفرین از او تقدیر شود. هیچ‌کس نمی‌تواند باور کند، فاطمه دانشور همان زنی است که در اقتصاد ایران مطرح است و موقعیت خوب اجتماعی دارد، شب‌ها را تا صبح در خیابان‌های پرخطری همچون هرندی، شوش و... سر می‌کند تا با دغدغه و آسیب‌های اجتماعی بیشتر مانوس شود، آنها را مطرح کند و راه‌حلی برایشان بیابد. او یکی از اعضای شورای شهر در دوره چهارم بود و علاوه بر آن، نقش یک نماینده خوب برای NGOها را هم خوب ایفا کرد. میهمان فاطمه دانشور شدیم که 4 سال در شورای شهر با وجود آرای اقلیت توانست اهداف اصلاح‌طلبان را در بخش‌های اجتماعی دنبال کرده و خوب پیش‌ببرد، آن هم در دفترش واقع در طبقه 14 یکی از برج‌های خیابان آفریقا. صمیمانه پذیرایمان شد و هم‌کلام و میزبانی خوب برای آفتاب یزد بود. گفتگوی او را از نظرتان می‌گذرانیم.

شاهد بودیم که لیست امید در انتخابات شورای شهر رای آورد. به نظرتان با یک‌دست بودن شورا، تضارب

آرا وجود دارد یا خیر؟

من یکی از کسانی هستم که به صورت جدی می‌خواهم پیگیری کنم و با رئیس دولت اصلاحات یا شورای سیاستگذاری و بزرگان اصلاحات صحبت کنم که در چینش‌هایشان حتماً به نمایندگان جامعه مدنی و فقط نگاهمان و نیاید اختصاص آنها به کرسی و باشد خالی اینها جای اگر قاعدتا چون. کنند توجه NGOها حزبی باشد، خیلی از مسائل و مشکلات طرح نخواهد شد. من در عجبم، در بحران‌ها به ویژه بحران‌های اجتماعی وقتی دولتمردان ما گیر می‌کنند، بلافاصله آدرس NGOها را می‌دهند و می‌گویند NGOها وظیفه دارند که این موضوعات را حل کنند. در صورتی که قانوناً وظیفه حل این معضلات با دولت است و سریع است مشکل حل از حرف وقتی. باشند دولت کنار در حمایتی بازوهای عنوان به توانند می NGOها آدرس NGOها را می‌دهیم، ولی وقتی به تصمیم‌گیری می‌رسیم و می‌خواهیم سیاستگذاری کنیم و راجع به معضلات اجتماعی صحبت می‌کنیم، حاضر نیستیم حتی یک کرسی هم به نمایندگان NGOها بدهیم. به نظر من خیلی از نمایندگان که می‌توانستند سخنگوی خوبی از سمت جامعه مدنی باشند، مثل خانم لایلا ارشد،

دکتر حسین راغفر و... را حذف کردیم. در صورتی که شاید به لحاظ نوع کارشان که در بین مردم هستند بهتر بتوانند مسائل را بیان و حل کنند. این یکی از مطالبات جدی است که نماینده‌ای از NGOها در لیست‌های انتخاباتی قرار گیرند.

چرا بعضی از کاندیداها انصراف ندادند؟

انصراف ندادنشان به خاطر این بوده که پاسخگویی و شفافیت ندیدند و طرف مقابل‌شان هم یک جاهایی به پیمان خود عمل نکرده است. اگر برخی انصراف ندادند برای پابرجا بودن یک مطالبه صحیح بود. در مورد خودم پافشاری دارم که باید نمایندگانی از جامعه مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد کرسی و حضور داشته باشند اگر نباشند، نمی‌توانند مطالب را اینقدر شفاف در حوزه اجتماعی مطرح کنند و بخواهند دنبال راهکار باشند. جعلی خطاب قرار دادن لیست‌های دیگر، یک نگاه خطرناکی است، آن‌هم در محافلی که شعارشان رسیدن به دموکراسی است. ما نمی‌توانیم همه را مجبور کنیم که نباشند. این با اصل آزادی مغایرت دارد، بنابراین باید انتقادات را هم بشنویم. وقتی می‌گوییم «زنده باد دشمن من» باید این ظرفیت را هم داشته باشیم که انتقاداتی را از دوست بشنویم. ما وقتی انتقاد می‌کنیم، قصد براندازی نداریم، نقد می‌کنیم برای بهتر شدن روبه‌ها و برای بهتر شدن روش‌ها در آینده.

شما میثاق‌نامه اصلاحات را امضا کردید

یا خیر؟

زمانی که رزومه‌مان را ارسال کردیم، میثاق‌نامه را امضا کردیم، ولی مسئله این است که من به یکباره حذف شدم و در لیست 150 نفر قرار نگرفتم و برایم جای تعجب بود. اگر اساس و منطقی داشت و جواب‌مان را می‌دادند خیلی ناراحت نمی‌شدیم یا حتی یکبار دعوت‌مان می‌کردند، می‌گفتند خطاهای شما این موارد بوده بهتر است حضور نداشته باشید یا به مصلحت است حضور نداشته باشید، که این هم نشد و نهایت بی‌احترامی به ما شد. اگر چیدمان‌ها برحسب تخصص صورت می‌گرفت یا براساس آن مدلی که مبنای درستی داشت، قطعاً ما هم تمکین می‌کردیم و هیچ مشکلی نبود، ولی وقتی دیدیم دارد یک اتفاقاتی می‌افتد که خیلی باعقل جور در نمی‌آید و می‌تواند بدعتی برای آینده شود، کوتاه نیامدیم. من چندین بار گفتم به نتیجه انتخابات احترام می‌گذاریم، چون انتخاب مردم بوده و ما باید به انتخاب مردم احترام بگذاریم، اما صحبت من برای آینده پیش‌رو و مجلس دو سال آینده سال‌های بعد آن است که در روبه و روش‌های مان اگر خطایی داریم باید گرفته شود و روبه‌ها اصلاح شود و این اصلاحات با انتقادپذیری امکان‌پذیر است. یکی از مهم‌ترین شعارهای اصلاحات، پذیرش انتقاد است و اگر بخواهد با منتقد خودش برخورد قهری بکند رفتارش با اصل دموکراسی مغایر است. همچنین این سهم‌خواهی حزب تازه تاسیس شده به مدیریت شهری سرایت کند که باز نوعی تمامیت‌خواهی است و از عدالت و تخصص‌گرایی به دور است

در میثاق‌نامه‌ای که امضا کردید، قید شده بود که اگر در لیست قرار نگیرید، باید انصراف دهید؟ در آن زمانی که رزومه ما را گرفتند، انتهای رزومه چنین چیزی بود. منتهی این پایبندی باید دوطرفه باشد.

زمانی ما معترض شدیم که انحراف را دیدیم.

پس چرا انصراف ندادید؟

چون ما خیلی توضیح خواستیم، ولی آنها توضیحی ندادند این هم یک جور دیکتاتوری است. من می‌خواستم علت «خط زدن» خودم را بدانم. به هر حال فراکسیون اصلاح طلب‌ها در شورای چهارم در اقلیت بودند و دیگران باید بدانند وقتی که در اقلیت که قرار می‌گیرید، نمی‌شود تحول عظیمی را در شهر ایجاد کرد. ضمن آنکه دعوای با جناح مخالف هم کار اشتباهی است و نمی‌شود همیشه با آنها وارد جدل شویم و بگوییم جامعه دوست دارد ما دائم وارد چالش و جدال شویم. باید شرایطی به وجود می‌آوردیم که در کنار جناح مقابل بتوانیم کارمان را پیش ببریم. فراکسیون اصلاح طلبان که در اقلیت و همسو با هم بودند و اثرات مثبتی داشتند. اینکه روی تمام کارهای مثبت آنها خط کشیده شود انصاف نیست. به نظر من باید کمی منصف‌تر نسبت به فراکسیون اصلاح طلب‌ها تصمیم‌گیری شود، ولی بعضا به گونه‌ای با آنها برخورد شد که انگار آنها اصلاح طلب نیستند. این به نظر من اتفاق خوبی نیست و نباید اصلاح طلبان سرمایه خودشان را این چنین تخریب و منزوی کنند و کنار بگذارند. این شرایط را هیچ کسی نمی‌پسندد.

آینده فراکسیون اصلاح طلبان چه خواهد شد؟

نمی‌توانم پیش‌بینی کنم. فقط من یک نگرانی دارم و آن هم بحث انتقال تجربه است که به فوریت تمام اعضای جدید سوار بر موضوعات و مسائل شوند و این با هیچ منطقی جور در نمی‌آید. حتما باید عده‌ای باشند که تجارب را به آنها منتقل و راجع به وضعیت پرونده‌ها و موضوعات باز صحبت کنند و اطلاعات بدهند. خلا این موضوع خیلی حس می‌شود و نبود این جریان انتقال اطلاعات و کسانی که بتوانند وضعیت پرونده‌ها را توضیح دهند، حس می‌شود. البته که اعضای جدید بر شرایط و وضعیت مسلط می‌شوند، اما رسیدن به این مهم، زمانبر خواهد بود. این زمانبر بودن خیلی نگران‌کننده است آن هم در مورد شهری که با چالش‌های جدی روبه‌روست و یک جاهایی باید تصمیمات درست در موردش گرفته شود شاید نبود دسترسی نداشتن به اطلاعات و عدم انتقال درست تجربه باعث تصمیم‌گیری‌های غلط و شتابزده شود. ما به راحتی در صحبت اعضای منتخب، آرمانگرایی را می‌بینیم باید سریع‌تر واقعی فکر کنند. ما با آرمان‌ها خیلی فاصله داریم. از دنیای آرمانی زودتر باید بیرون بیایند و در دنیای واقعی موضوعات را حل و فصل کنیم. چیزی که می‌خوانیم از صحبت‌های منتخبان آرمانشهر است و به اعتقاد من اتفاق نخواهد افتاد.

شما از کجا خط خوردنتان را پیگیری کردید و به شما جواب ندادند؟

من از طریق اعضای شورای سیاست‌گذاری خیلی پیگیر ماجرا شدم، ولی پاسخی دریافت نکردم که واقعا علتش چه بود و حتی زمانی که بین آن 150 نفر هم دعوت نشدم، اعضای اصلاح طلب شورای شهر فعلی (دوره چهارم) اصرار کردند و گفتند «بیا چون عضو فعلی شورا هستی و به لحاظ احترام و حرمت‌ها خوب نیست که نباشی.» زمانی که رفتم خیلی‌ها گفتند با اینکه دعوت نشده، اما آمده است. در واقع برخورد دوگانه بود. از یک سو به من می‌گفتند سمت اشتباهات تایپ نشده و اشتباه سهوی است، از سوی دیگر می‌گفتند اسمش نبوده برای چه آمده است؟ در واقع این برخورد دوگانه خیلی ناراحت‌کننده بود، به خاطر اینکه من نمی‌دانستم برای چه خط خورده‌ام؟ از نظر اخلاق حرفه‌ای، خوب بود که ما را صدا می‌زدند و می‌گفتند به این دلایل مصلحت نیست که شما در لیست قرار بگیرید. وقتی دلیلی به شما گفته نمی‌شود و برخورد سلیبی با شما می‌شود، ذهن شما هزار جا ممکن است برود که چه تخلفی از شما سرزده که باعث این اتفاق شده. هنوز دلایل روشنی برای من عنوان نشده است. خودم تصور می‌کنم چون فعال سیاسی نبودم این اتفاق برایم رخ داد، اما منطقا شورای شهر جای فعالیت سیاسی است؟ شورای شهر نزدیک‌ترین نهاد به مردم و به نظر من یک نهاد اجتماعی است و نمی‌تواند یک نهاد سیاسی باشد. خودم تصور می‌کنم به خاطر این موضوع حذف شدم. حالا انتخابات تمام شده، ولی همچنان می‌گویم که برای ما توضیح داده شود چون کارنامه و عملکرد من برای خودم ارزشمند است و این برخورد نوعی ترور شخصیت است. اینکه افراد خدمتی که در سخت‌ترین شرایط ایستادند را بخواهیم ترور شخصیت کنیم کار درستی نیست. فرقی نمی‌کند اصلاح طلب باشد یا اصولگرا.

بعضی‌ها می‌گویند با این انتخابات و رای که مردم به لیست شورای شهر، مجلس و رئیس‌جمهور دادند،

برخی از اصلاح‌طلبان منتخب روی ابرها راه می‌روند و این خطرناک است. شما چنین شرایطی را مناسب نقد می‌دانید؟

صحبت‌های من به خاطر اصلاحات است. یعنی نقدهای من به خاطر اصلاح‌طلبان و اصلاحات است و اگر بگویم که نقد را نمی‌شنویم، باز بر اساس اصول دموکراسی و شعار آزادی اصلاحات همخوانی ندارد. فکر می‌کنم باید تکلیفمان را با خودمان روشن کنیم و یک تعریف درستی را از اصلاح‌طلبی ارائه دهیم. انگار باید یکبار دیگر این واژه بازتعریف شود و نیاز به تعریف مجدد دارد و شاخصه‌های اصلاح‌طلبی هم باید تعریف شود. اینکه عده‌ای می‌آیند، یکی را خط می‌زنند و می‌گویند از نظر من اصلاح‌طلب نیست، آن نظر اوست و نمی‌توانیم بر اساس نظر یک شخص بگویم اصلاح‌طلبی چیست؟ باید بزرگان اصلاحات و تئوریسین‌ها بیابند و یک تعریف و اصولی را برای اصلاح‌طلبان تعریف کنند و بر مبنای آن اصول (که می‌تواند یک منشور اخلاقی هم باشد) قدم بردارند. هر کسی از اصلاح‌طلب تعریف خودش را دارد. اصلاح‌طلبی باید یکبار درست و شناسنامه‌دار تعریف شود. قائل بودن به فرد و افراد در کوتاه‌مدت ممکن است جواب دهد، ولی قطعاً در بلندمدت به اصلاحات صدمه می‌زند.

اینکه می‌گویند شکاف عمیقی بین اصلاح‌طلب‌ها به وجود آمده را قبول دارید؟
بله! این شکاف را باید بزرگان اصلاحات سریع تدبیر کنند و به یک وفاق و همسویی برسند. ما شورای هماهنگی اصلاحات داریم که احزاب ثبت شده اصلاح‌طلب در آن حضور دارند. شورایی عالی سیاستگذاری را هم داریم که پایگاه دیگر اصلاحات است. پایگاه‌های دیگری هم وجود دارد که وابستگی به این دو پایگاه ندارند، ولی خود را اصلاح‌طلب می‌دانند. به نظرم الان وقت آن رسیده که سروسامانی به اینها داده شود و عقلای اصلاحات که مورد تایید افکار عمومی هستند این کار را انجام دهند، چون لازم و ضروری است. اگر زمان را از دست بدهیم ممکن است در آینده اصلاحات با آسیب‌های جدی روبه‌رو شود. در این تدوین و تعریف، من به عنوان نماینده سازمان‌های مردم‌نهاد می‌گویم باید جایگاه‌هایی برای فعالان عرصه اجتماعی تعریف شود. جایگاهی برای لیبرال‌ها، دکتر راغرها و... به وجود آید، چون به اعتقاد من یکی از بحران‌های ما، بحران‌های اجتماعی خواهد بود و اگر از الان به فکر بحران‌های اجتماعی نباشیم و بخواهیم برای بحران‌های اجتماعی بدون حضور خبرگان و فعالان اجتماعی نسخه‌ای بیچیم، قطعاً آن بحران‌های اجتماعی تبعات تلخ‌تری در آینده پیش‌رو خواهد داشت. دولت ما جلو بخشی از بحران‌های اجتماعی را با فاکتورهایی مثل دادن یارانه گرفته است. حالا اگر اتفاقاتی در اقتصاد بیفتد یا همین رکود در اقتصاد باقی بماند، یارانه‌ها حالت سرعت‌گیر را دارد و سرعت فریاد اجتماعی را می‌گیرد. ولی اگر دولت‌ها جایی زورش به بحران‌های اجتماعی نرسد و به شکل شورش‌های اجتماعی در بیاید نتیجه، عملکرد اشتباه سیاسیونی است که هیچ موقع به فعالان اجتماعی و متخصصان و دلسوزان محل اظهار نظر ندادند.

آیا سهم‌خواهی احزاب اصلاح‌طلب این شکاف را بیشتر می‌کند یا خیر؟
سهم‌خواهی یک آفت است. اما مسئله‌ای که من دارم این است که چرا نزدیک انتخابات که می‌شود برخی احزاب ظاهر می‌شوند و بعد انتخابات دوباره خاموش می‌شوند. یعنی نزدیک انتخابات احیا می‌شوند بدون آنکه کمیسیون و عملکرد شفاف و روشنی داشته باشند. خیلی از احزاب هستند فقط در کاغذ و سه، چهار نفر عضو آن است و شما هیچ نشست و اقدام جدی از این احزاب نمی‌بینید. موقع انتخابات این احزاب شکل می‌گیرند و می‌آیند سهم‌خواهی می‌کنند و بعد دوباره دچار خفتگی می‌شوند، پس احزاب ما هنوز تعریف و جایگاه خودش را پیدا نکرده است و خیلی مانده که دوران طفولیت خودش را طی کند و این مسئله را باید گردانندگان احزاب بپذیرند. سهم‌خواهی حزبی در جاهایی مثل شورای شهر خطرناک‌تر است. نگاه کنید از 700-800 نفری که رزومه دادند کدام فرد ناشناس متخصص و کاربلد در لیست آمده است؟ کدام شهروند وارد لیست شده است؟ از قضا در تمام این بررسی‌ها اسم کسانی برای شورای شهر درآمد که عضو احزابی بودند که در شورای سیاستگذاری نشسته‌اند؟ این عجیب نیست؟ چرا یک سالمند که بتواند نماینده سالمندان باشد در این لیست نیست؟ در صورتی که در شورای شهر کشورهای پیشرفته می‌بینیم نماینده سالمندان، زنان خانه‌دار، تحصیلکرده‌ها و... در شورا حضور دارند. آنها مردم هستند و حزب نیستند. اینها کسانی هستند که توانستند موقعیت اجتماعی کسب کنند که مردم آنها را بشناسند و به آنها رای بدهند. حالا نگاه کنید در لیست‌های ما اسمی از شهروندانی که حتی رزومه خوبی داشتند، نیست و شما یک ناشناس غیرحزبی در لیست نمی‌بینید. همه آشنا هستند و اگر بخواهیم نگاه طنز به آن داشته باشیم «همه فامیل‌ها آمده‌اند.»

اینکه اعضای شورای شهر از 31 به 21 نفر تقلیل پیدا کرده خوب است؟ خوب نیست. مسائل شورا با بیش از 21 نفر حل نمی‌شود. به نظر من 50-60 نفر باید در شورا حضور داشته باشند، چون موضوعات زیادی وجود دارد که شهر تهران با آن درگیر است. اشتباه مجلس بود. مجلس نباید این طرح را تصویب می‌کرد، چون شهر به تعداد بیشتری از اعضای شورای شهر احتیاج دارد و امیدواریم با تعاملی که بین مجلس و شورای شهر منتخب هست، این طرح‌ها مجدد به مجلس برود و اصلاح شود.

شما قبول می‌کنید در کسوت یک کارشناس - مشاور با شورای شهر و کمیته اجتماعی که به کمیسیون تبدیل شده همکاری داشته باشید یا خیر؟
قطعاً اگر از من بخواهند تجارب و نظراتم را انتقال دهم، حضور پیدا می‌کنم و با آنها همکاری می‌کنم، ولی نه به صورت قراردادی بلکه داوطلبانه، به خاطر مردم و نگرانی‌هایی که دارم حتماً این کار را می‌کنم. در مورد وضعیت خودم، بیشتر وقتم را به فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی و در NGO خودم اختصاص داده‌ام و علت اینکه من گاهی تلاش می‌کنم خود را به عرصه‌های سیاستگذاری برسانم این است که موضوعاتی که به صورت روزمره درگیر آن هستم موضوعات تلخ اجتماعی است. من در NGO خودم می‌توانم درصد بسیار کوچکی از آن را با مداخله حل کنم، ولی وقتی در عرصه سیاستگذاری این دغدغه تبدیل به مصوبه می‌شود مثل اتفاقی که برای نوزادان معتاد رقم خورد و اتفاق خوبی بود (اجباری شدن سم‌زدایی نوزادان معتاد و عدم تحویل آن به والدین کودک‌آزاری) می‌تواند دامنه اثرگذاری‌اش کشوری شود. اغلب کسانی می‌توانند این موارد را تبدیل به مصوبه و بخشنامه و دستورالعمل اجرایی در دستگاه‌ها کنند که مسئله را خوب می‌شناسند و کسانی مسئله را خوب می‌شناسند که سالها درگیر آن هستند.